

چکیده

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در هر کشوری نشان دهنده مشروعیت و جایگاهی است که یک نظام در میان مردم دارد. هر چه حضور مردم گسترده تر و مشارکت آنها بیشتر باشد مشروعیت نظام نیز افزایش می یابد و در مقابل هرچه حضور مردم کم رنگ تر باشد عدم مشروعیت را نشان می دهد.

در هنگامه مبارزات انتخاباتی سخنان نامزدها قابل تأمل و بررسی است. هر نامزد انتخاباتی با بیان دیدگاهها و نظرات خود درباره مسائل مهم و جاری کشور سعی دارد تا با انتقاد از وضع موجود برنامه های خود را مطلوب و موثر نشان دهد. در چنین شرایطی است که می توان گفتمانها را شناخت و مورد بررسی قرار داد.

زبان، قدرت و ایدئولوژی سه رکن هر گفتمانی تلقی می شود و دولت ها به وسیله ایدئولوژی های گوناگون به خود مشروعیت می بخشند. حال از بررسی گفتمان نامزد پیروز در انتخابات با گفتمان حاکم می توان تنازع میان آنها را نشان داد و از طرفی به ترسیم هر گفتمان پرداخت.

روش متداول برای تحقیق در گفتمانها، تحلیل گفتمان است. شیوه ای که باعث می شود تا محقق به معنای ضمنی یا آنچه که در پس کلام نهفته شده است، دست یابد. تحلیل گفتمان روشی است که سعی دارد درهم تنیدگی کنش های گفتمانی - زبانی را با ساخت های سیاسی - اجتماعی گسترده تر قدرت و حاکمیت به تصویر کشد. از این رو لازم است تا زبان و اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمان مورد تحقیق نیز مورد بررسی قرار گیرد.

در این تحقیق نیز سعی شده است تا سخنان نامزد پیروز در انتخابات با گفتمان حاکم بر جامعه مورد بررسی قرار گیرد و تأثیر فضای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر آن طی سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ مشخص شود.

در پنج دوره مورد بررسی یعنی از پنجمین دوره تا نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری سه نفر به ریاست قوه مجریه برگزیده شدند. از این رو به سه گفتمان مشخص می توان از خلال سخنان آنها پی برد؛ گفتمان رفاه، گفتمان آزادی و گفتمان عدالت. در عین حالی که به نظر می رسد سه گفتمان مطرح است اما قدرت و ضعف گفتمانها در خلال هر پنج دوره به چشم می خورد و پدید آمدن مباحثی که در زمان های مختلف از طریق جامعه مطرح می شود خود به گونه ای چالش برانگیز است.

کلیدواژه ها: گفتمان، تحلیل گفتمان، زبان، قدرت، ایدئولوژی، مشروعیت، انگاره سازی، مشارکت مردم، رفتار رأی دهی، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، اسلام سیاسی، عدالت، رفاه، آزادی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	پیشگفتار
	فصل اول
	کلیات
۱	طرح مسئله
۹	ضرورت و اهمیت موضوع
۱۴	هدف تحقیق
۱۵	محدودیت های تحقیق
۱۶	مروری بر تحقیقات مهم انجام شده درباره موضوع
۲۱	منابع
	فصل دوم :
	مبانی تحقیق
۲۳	مقدمه
	بخش اول
۲۵	گفتمان
۲۸	از ساختار و فرایند تا عمل اجتماعی در بافت و جامعه
۲۸	گفتمان به مثابه کنش
۲۸	کاربران زبان و بافت
۲۸	گفتمان و نوشتار
۲۹	پایگان کنش ها
۲۹	اعمال کارکردهای اجتماعی
۲۹	اهداف

بخش دوم

۳۹	گفتمان و حوزه زبان شناسی
۳۹	زبان‌شناسی از گذشته تا امروز
۴۰	چرخش فلسفی نسبت به زبان سیاسی
۴۰	چرخش زبانی از سنت به مدرنیته
۴۲	تغییر در گفتمان
۴۲	فوکو، گفتمان و قدرت

بخش سوم

۴۶	گفتمان و حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و ارتباطات سیاسی
۴۷	دولت
۵۱	ارتباطات سیاسی
۵۲	اقناع در سیاست
۵۴	روش‌های اقناع سیاسی
۵۴	مشارکت مردم

بخش چهارم

۶۰	اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
۶۱	بافت اقتصادی ایران
۶۴	زمینه‌های فعالیت اقتصادی دولت
۶۷	سیاست‌هایی در جهت توسعه اقتصادی
۷۰	چشم‌انداز اقتصاد ایران
۷۲	راهکارهای اصلاح ساختار اقتصادی کشور
۷۳	بافت سیاسی ایران
۷۳	جمهوری اسلامی ایران
۷۵	احزاب سیاسی
۷۶	انجمن‌های مخفی

۷۷ احزاب سیاسی در ایران
۷۸ احزاب سیاسی در ایران از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۴
۸۰ انتخابات ریاست جمهوری در ایران
۸۱ نظام ها و رفتار سیاسی
۸۲ وضعیت سیاسی ایران با توجه به دیدگاههای موجود در جامعه
۸۵ دیدگاههای اجتماعی - فرهنگی
۹۰ بافت اجتماعی - فرهنگی در ایران
۹۱ تاثیر مذهب در ایران
۹۴ مولفه های دیگر در مبارزات انتخاباتی

بخش پنجم

۱۰۴ وضعیت سیاسی ایران طی پنج دوره انتخابات ریاست جمهوری
۱۰۴ اوضاع سیاسی کشور پیش از انتخاب اکبر هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری
۱۰۶ اوضاع سیاسی کشور پیش از انتخابات سال ۱۳۷۲
۱۰۸ اوضاع سیاسی کشور پیش از انتخاب سیدمحمد خاتمی به ریاست جمهوری
۱۱۱ اوضاع سیاسی کشور پیش از انتخابات سال ۱۳۸۰
۱۱۴ اوضاع سیاسی کشور پیش از انتخاب محمودی احمدی نژاد به ریاست جمهوری

بخش ششم

۱۱۸ چارچوب مفهومی و نظری
۱۲۲ نظام اقتصادی در اسلام
۱۲۴ منابع

فصل سوم

۱۳۰ روش تحقیق
-----	-----------------

بخش اول

۱۳۱ مطالعه و تحلیل گفتمان
-----	-----------------------------

۱۳۱	متن و گفت‌وگو
۱۳۲	توصیف نظری
۱۳۳	فن معانی بیان
۱۳۳	معنای موضوعی
۱۳۴	مفاهیم ضمنی
۱۳۴	واژگان
۱۳۴	گسترده‌گی ایدئولوژی
۱۳۵	قدرت گفتمان و گفتمان قدرت
۱۳۷	تحلیل گفتمان و زبان رسانه‌ای
۱۳۸	هدف‌های تحلیل گفتمان

بخش دوم

۱۳۹	جامعه آماری
۱۳۹	نحوه جمع‌آوری داده‌ها
۱۴۱	سطوح تحلیل گفتمان
۱۴۱	توصیف
۱۴۳	تفسیر
۱۴۴	تبیین

بخش سوم

۱۴۶	تعاریف، مفاهیم و شاخص‌های توسعه
۱۴۶	توسعه سیاسی
۱۴۸	مشروعیت سیاسی
۱۴۹	جامعه مدنی
۱۵۰	فرهنگ سیاسی
۱۵۲	توسعه اقتصادی
۱۵۴	توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی

۱۵۸	اعتبار درونی و برونی تحقیق، نحوه محاسبه پایایی تحقیق
۱۵۹	منابع

فصل چهارم

بررسی یافته‌ای تحقیق

بخش اول - توصیف

۱۶۰	بررسی یافته‌ای تحقیق
۱۶۰	سوال های تحقیق
۱۶۱	دیدگاه‌های مختلف درباره جناح‌بندی در نظام جمهوری اسلامی
۱۶۲	جناح‌های سیاسی در جمهوری اسلامی
۱۶۴	مجمع روحانیون مبارز
۱۶۵	جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی
۱۶۶	کارگزاران سازندگی ایران
۱۶۶	مواضع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جناح‌ها
۱۷۳	ویژگی‌های دوره‌های مورد بررسی
۱۷۳	حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی
۱۷۴	سیدمحمد خاتمی
۱۷۶	محمود احمدی‌نژاد
۱۷۹	پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری
۲۲۲	ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری
۲۶۷	هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری
۳۴۱	هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری
۳۷۱	نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

بخش دوم - تبیین

۴۰۷	سوالات تحقیق
۴۱۱	منابع

فصل پنجم

نتیجه گیری

مقدمه ۴۱۴

بخش اول

خلاصه تحقیق ۴۱۶

پنجمین انتخابات ریاست جمهوری ۴۲۱

ششمین انتخابات ریاست جمهوری ۴۲۶

هفتمین انتخابات ریاست جمهوری ۴۳۰

هشتمین انتخابات ریاست جمهوری ۴۳۸

نهمین انتخابات ریاست جمهوری ۴۴۲

بخش دوم

نتیجه گیری تحقیق ۴۴۸

گفتمان رفاه ۴۴۹

گفتمان آزادی ۴۵۱

گفتمان عدالت ۴۵۴

مقوله های مهم ۴۵۵

سخن آخر ۴۵۷

چرخش گفتمانی ۴۶۰

گفتمان ها چه می گویند ۴۶۰

رابطه گفتمان و قدرت ۴۶۱

پیشنهاد ۴۶۳

منابع ۴۶۴

کتابشناسی

منابع فارسی ۴۶۵

منابع انگلیسی ۴۶۷

پیشگفتار

وقوع رویدادهای سرنوشت‌ساز در هر کشوری می‌تواند تاریخ یک سرزمین را دگرگون سازد. انتخابات و مبارزات انتخاباتی به ویژه انتخابات ریاست‌جمهوری نیز از چنین رویدادهایی است. نامزدهای هر دوره از انتخابات با دیدگاهی پا به عرصه مبارزه می‌گذارند و هر یک وعده‌هایی در جهت بهتر شدن زندگی مردم می‌دهند. اما در کنار این وعده‌ها نکته مهم‌تر تفکرات و اندیشه‌هایی است که در پس ذهن نامزدهای انتخاباتی نهفته است که همانا گفتمان آنها را می‌سازد.

سخنان انتخاباتی در هر کشوری بر اساس موقعیت‌ها و اوضاع و احوال داخلی شکل می‌گیرد. معمولاً نامزدهای انتخاباتی مبنای سخنان خود را بر پایه کمبودها، کاستی‌ها و به‌گونه‌ای نقاط ضعف‌ها می‌گذارند و در کنار این موارد دیدگاه‌های خود را به مردم عرضه می‌کنند.

افکار عمومی نیز از میان دیدگاه‌های مختلف آنچه را که می‌خواهد بر می‌گزیند و به آن رأی می‌دهد. این رأی برای چهارسال برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

بسیاری از واقعیاتی که در یک مقطع منفی می‌نماید در یک فضای گفتمانی دیگر می‌تواند یک امتیاز و یا حتی یک خدمت محسوب شود. غالباً قدرت مستقر را در کمتر موردی دارای نیات مثبت و اعمال مفید تلقی می‌کنند. از این‌رو در انتخابات به ویژه انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد احراز این سمت سعی دارد تا اهداف و مقاصد خود را خوب و آنانی را که بر مسند قدرت هستند، ناوارد، دارای سیاست‌های غلط و حتی گاه مخالف با مقدسات معرفی کند.

این اعمال در کشور ما نیز طی دوران انتخابات ریاست‌جمهوری انجام می‌شود و هر نامزد انتخاباتی گفتمان مورد نظر خود را محق و دیگری را نقض می‌کند. هرکس خود را آماده ایجاد یک تحول و دگرگونی می‌داند اما مشکل پدیده تحول فقط این نیست که شانس اندکی برای پیروزی بر نظم مستقر دارد، مشکل این است که هر تحولی در مقایسه با دو هدف مهم آن یعنی آزادی و عدالتخواهی به نظر می‌رسد که ناکام می‌شود چون برای حفظ نظم جدید خود را ناگزیر از بستن فضا و اعمال خشونت می‌بیند و به دلیل ساده‌انگاری در مسائل اجتماعی و رویارویی با مشکلات انسان و اجتماع از حرکت باز می‌ماند. پس هم آزادی قربانی می‌شود و هم عدالتخواهی.

به هر شکل دولت‌ها به وسیله ایدئولوژی‌های گوناگون به خود مشروعیت می‌بخشند. گاه رژیم‌های غیردموکراتیک با ایدئولوژی‌های گوناگون غیردموکراتیک خود را مشروع و بر حق قلمداد می‌کنند و حتی امروزه گاه برای مشروعیت بخشیدن به خود از ایدئولوژی دموکراسی و یا تعبیری از آن را بر می‌گزینند.

تنازع گفتمان متن سخنان نامزدهای پیروز در انتخابات ریاست جمهوری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ موضوعی است که از طریق تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر یک از نامزدهای انتخاباتی برنامه‌هایی را مطرح می‌کنند که در نظر دارند طی چهار سال برای اداره کشور آن را به اجرا در آورند. مجموعه‌ای از آن چه که ارائه می‌شود در قالب گفتمان نامزد پیروز در انتخابات تلقی می‌گردد و تضادها و تفاوت‌هایی که در گفتمان هر یک از آنها وجود دارد همان تنازعی است که مورد تحقیق است. گفتمان غالب پس از انتخاب شدن همان گفتمان رسمی محسوب می‌شود و گفتمان نامزد پیروز در انتخابات گفتمان متنازع است اما گفتمان نامزد انتخابات نیز گفتمان غالب او خواهد بود. از طرفی این امکان وجود دارد که یک نفر دو دوره به صورت متوالی به سمت ریاست جمهوری دست یابد، در این وضعیت تفاوت و تنازع میان گفتمان غالب و پیروز کمرنگ خواهد بود.

در این میان هدف اصلی گفتمان فراهم کردن توصیفی یکپارچه از سه بُعد اصلی آن است، اینکه چگونه کاربرد زبان بر باورها و تعامل مؤثر است، چگونه تعامل بر نحوه سخن گفتن مردم تأثیر می‌گذارد و یا چگونه باورها، کاربرد زبان و تعامل را کنترل می‌کنند.

همیشه اوضاع و احوال حاکم بر جامعه سبب ظهور گفتمان‌های گوناگون می‌شود. در یک وضعیت نابسامان اقتصادی و مشکلاتی که می‌تواند ناشی از جنگ باشد گفتمان اقتصادی حامیان بیشتری خواهد داشت، هنگامی که به حقوق اولیه انسانی کمتر توجه شود گفتمان سیاسی نضج می‌گیرد و زمانی که از عدالت و ارزش‌های دینی دور می‌شویم گفتمان اسلام سیاسی مد نظر قرار می‌گیرد. از این رو شرایط یا بافت جامعه (سطح کلان) که حاوی ایدئولوژی و تاریخ است سیاست، فرهنگ و اقتصاد را می‌سازد و استنباط وضعیت (سطح خرد) موجب پی‌بردن به پس زبان گفتارها و نوشتارها خواهد شد.

در تدوین این رساله دوره دکتری علوم ارتباطات نخست لازم می‌دانم سپاسگزاری خود را نثار استاد راهنما آقای دکتر محمد مهدی فرقانی و استادان مشاور آقایان دکتر نعیم بدیعی و دکتر هادی خانیکی که با لطف و عنایت خویش مرا از راهنمایی‌های بی‌دریغ خود برخوردار ساختند، نمایم. از داوران ارجمند آقایان دکتر علی محمدی و دکتر علی اصغر سلطانی که با صبر و بردباری این رساله را مطالعه کردند و نظرات خویش را ابراز داشتند، سپاسگزارم. همچنین لازم می‌دانم از سرکار خانم آمنه اسکافی که زحمت تایپ این متن را تقبل کردند تشکر نمایم.

فصل اول

کلیات

طرح مسئله

دگرگونی در ابعاد سیاسی از شور انقلابی تا ملی‌گرایی و دین‌گرایی، تشکیل اتحادیه‌های کارگری و سندیکاها و اساساً تغییر در ساخت قدرت سیاسی به گونه‌ای بی‌سابقه در قرن بیستم رخ داد. در این میان ایران نیز مستثنی نماند و نزدیک به دو دهه مانده به پایان قرن دستخوش تغییر شد. تحول در ساختار سیاسی کشور و تغییر دیدگاهها به دنبال خود برخورد اندیشه‌ها را سبب شد و گفتمان‌های جدیدی را پدید آورد. پرداختن به ارزشهای دینی در کنار دموکراسی و آزادیخواهی به نزاعی کلامی منجر شد که در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری بیشتر خود را نشان داد. با در نظر گرفتن اینکه محیط سیاسی، اجتماع، مردم و هرچه در یک جامعه می‌گنجد را شامل می‌شود، سیاست‌گذاران از یک سو مجریان سیاست هستند و مردم نیز از سوی دیگر با ارائه رفتار سیاسی نسبت به سیاست‌های اعمال شده واکنش نشان می‌دهند. از این رو مشارکت مردم در یک

جامعه دموکراتیک نمود بیشتری دارد. آنها هستند که باعث به قدرت رسیدن یک دیدگاه و طرز تفکر می شوند و در عین حال می توانند نگرشی را طرد نمایند.

محیط برای ابراز رفتار سیاسی از طرف مردم در زمان انتخابات به ویژه انتخابات ریاست جمهوری بازتر می شود، موردی که ریشه در فرهنگ سیاسی هر جامعه دارد.

رفتار سیاسی همچون سایر رفتارهای اجتماعی انسان از عوامل و عناصر متعدد روانی، محیطی، فرهنگی و اجتماعی نشأت گرفته است، اما الگوی رفتار سیاسی را فرهنگ سیاسی تعیین می کند. از این رو میان ساختار سیاسی - اجتماعی و فرهنگ سیاسی رابطه متقابل حاکم است.^(۱) هرگاه سخن از انتخابات ریاست جمهوری به میان می آید دموکراسی نیز تداعی می شود، چرا که حکومت از جنبه فردی خارج شده و با استناد به رای مردم شخصی می تواند زمام امور را برای مدتی محدود به دست گیرد.

طی دهه های گذشته گذار به دموکراسی و توجه مردم نسبت به آن مبدل به یکی از مسائل مهم در فرهنگ سیاسی شده است. اینکه مردم چگونه سطح کارایی نظام های دموکراتیک خودشان را ارزیابی می کنند، تا چه اندازه حاضرند از دموکراسی به عنوان شکلی از حکومت حمایت نمایند و در عین حال زمینه برای تصمیم گیران ملی و حتی بین المللی در خصوص عکس العمل مردم نسبت به ابتکارهای سیاسی، اصلاحات نهادی و جهت گیری ها و اولویت ها برای اصلاحات آینده تا چه حد فراهم است، تماما در فرهنگ سیاسی می گنجد.^(۲)

پس نخستین مقوله مهم مردم هستند. به موجب ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر و شهروند مصوب ۱۷۸۹ اساس هر حاکمیت اساسا ملت تلقی شده است و هیچ فردی یا هیئتی نمی تواند اجرای قدرتی نماید که صریحا ناشی از ملت نباشد.

در برابر «ملت» که واحد غیرقابل تفکیک و مظهر «حاکمیت ملی» در دموکراسی ها است و به عنوان اصطلاح سیاسی بکار برده می شود کلمه مردم را می توان به مثابه حقیقتی جامعه شناسانه ذکر نمود و به جنبه اجتماعی این کلمه بیش از بحث در متون قوانین اساسی توجه داشت.^(۳)

واژه دموکراسی نیز به همین معناست و مشتق از دو کلمه یونانی «دموس» به معنای مردم و «کراتوس» به مفهوم قدرت و حکومت است. نخستین نظام دموکراسی را مونتسکیو به سازمان های حکومت آتن در پنج قرن پیش از میلاد نسبت می دهد.

نقش مردم در حکومت از سال ها پیش مشخص شد. از زمانی که مردم در میدان شهر یا «آگورا» جمع می شدند، صحبت می کردند و درباره زندگی خود تصمیم می گرفتند تا زمانی که پارلمان تشکیل شد و

مردم عده‌ای را به نمایندگی از طرف خود به مجلس فرستادند، قرن‌ها می‌گذرد. گسترش جوامع، رشد جمعیت، بزرگ شدن شهرها، انقلاب فرانسه و رواج اندیشه‌های آزادیخواهانه که از قرن هجدهم آغاز گردید باعث شد تا در قرن بیستم شاهد سده‌ای پرتنش، پرشور و پرانگیزه برای مردمانی باشیم که خواهان آرامش، آسایش و آزادی بودند. مبارزه با استبداد، پدید آوردن نظام جمهوری، تشکیل مجالس قانونگذاری و تأثیر بیشتر سیاست در زندگی مردم منتهی به سیاسی شدن آنها شد.

انقلاب ایدئولوژیکی شوروی، دو جنگ جهانی، ظهور هیتلر، موسولینی و فرانکو، برخورد ایدئولوژی‌ها، آغاز جنگ سرد و تبدیل شدن جهان به چند قطب از ویژگی‌های قرن بیستم بود. همچنین انقلاب‌ها و درگیری‌ها برای کسب استقلال و جنگ‌های داخلی بیشتر برای دستیابی به دموکراسی و حاکمیت بر سرنوشت خویش صورت گرفت. این واژه یعنی دموکراسی در نظر بعضی به معنای اجرای قانون و دستیابی به آزادی است و برای برخی معنای بی بندوباری و ضدیت با ایدئولوژی و حتی ارزشهای دینی تلقی می‌شود. اما هرچه هست مایه تحول، دگرگونی و تحرک است و از یکسان سازی جلوگیری می‌کند، چه یکسان سازی خطر انجماد فکری را به دنبال دارد.

بدین ترتیب نکته قابل توجه نوع برداشت از دموکراسی است، هرچند نمی‌توان بهانه‌ای برای فهم نادرست از دموکراسی داشت چه اکثر مردم جهان می‌توانند به معنای دموکراسی دست یابند اما غالباً دموکراسی را برحسب رویه‌های سیاسی و نه پیامدهای اساسی آن تعریف می‌کنند. توجه به دموکراسی از آن جهت حائز اهمیت است که رفراندم (در سطح کلان) و انتخابات (در سطح خرد) را در برمی‌گیرد. از این رو به لحاظ نظری برای سنجش نظام‌ها توجه به اعتماد و اطمینان عمومی نسبت به نهادهای سیاسی مد نظر قرار می‌گیرد و اینکه سطح اعتماد شهروندان به نهادهای دموکراتیک در چه حدی است.

در این میان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری دموکراسی در یک جامعه را می‌توان از روی طبقه اجتماعی و اقتصادی، احزاب و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک، کارآمدی اقتصادی و سیاسی و مجموعه‌ای متنوع از عوامل دیگر دانست. ضعف شدید آزادی و مسئولیت‌پذیری و از طرفی تمرکز فزاینده قدرت در برخی جوامع تأثیرات عمیقی را بر امور سیاسی از جمله انتخابات دارد. رکود دموکراسی در نقاط مختلف گاه ناشی از نارضایتی نسبت به عملکرد دموکراسی، فساد، ضعف در کارایی اقتصادی و فقدان پاسخگویی سیاستمداران است. یک جنبه اساسی در تحکیم و تثبیت دموکراسی، ظهور هنجارها و باورها درباره مشروعیت دموکراسی است، اینکه مشروعیت رژیم‌ها را می‌توان از رفتار عمومی، بیان احساسات عمومی در رسانه‌ها و مشارکت در عرصه‌های سیاسی همچون انتخابات به دست آورد.^(۵)

پس نخستین گام برای هر انتخاباتی شکل دادن افکار عمومی و جلب آراست که بخش اصلی ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب می شود، معمولاً نامزدهای انتخاباتی دست به تبلیغاتی وسیع می زنند و به ارائه برنامه های خود می پردازند. این برنامه ها در قالب سیاست های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تهیه و به مردم عرضه می شود. استفاده از واژه «اصلاحات» در تمام برنامه های انتخاباتی وجود دارد. چرا که بکاربردن این اصطلاح در هر شکل به معنای «تغییر»، «بهبودی در اوضاع» و «تحول و دگرگونی» تلقی می شود. اصلاحات می تواند در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صورت گیرد.

در دهه های گذشته فرآیند اصلاح در کشورهای مختلف راه های متفاوتی را پیموده است، برخی اصلاحات اقتصادی را در راس برنامه های خود قرار داده اند، برخی دیگر اصلاحات را از دموکراتیک سازی آغاز کرده اند و برخی نیز سعی کرده اند به صورت همزمان اصلاحات دموکراتیک و اصلاحات اقتصادی را دنبال و تقویت کنند.

تعبیری که از دموکراتیک سازی می شود «به معنای اعطای حق رأی و فرصت مشارکت سیاسی به افراد و گروه هایی است که تا پیش از آن قادر به طرح مطالبات خود نبوده اند.»^(۶) در این راه دولت ها گاه ناچار می شوند تا هزینه هایی سنگینی بپردازند. هنگامی که برخی از دولتمردان به دموکراتیک سازی دست می زنند همزمان به سبب اصلاحات اقتصادی برنامه های اقتصادی را نیز دنبال می کنند و از این رو با دشواری هایی در اجرای برنامه های خود مواجه می شوند و در پی راه حلی می گردند تا مانع از آشفته گی های اجتماعی شوند. بدنبال چنین وضعیتی است که برخی رهبران خواهان دموکراتیزه کردن جامعه، اصلاحات اقتصادی دشواری را مطرح می کنند و برای جلوگیری از هرج و مرج در جامعه به آمادگی های نظامی متوسل می شوند. این حالت ناشی از دلایل ایدئولوژیک و یا فشارهای خارجی است که در پی دریافت وام و سرمایه گذاری های خارجی در جامعه اعمال می شود.^(۷)

با آگاهی از تجربیات سایر کشورها نامزدهای انتخاباتی برنامه های خود را مشخص می کنند. برای پرهیز از پیش آمدن آشفته گی برخی از نامزدهای انتخاباتی بر تقدم اصلاحات اقتصادی تأکید دارند و معتقدند برای جلوگیری از افزایش مشکلات اقتصادی باید اقدامات سختگیرانه ای اعمال کرد و این منظور با حضور رهبری قدرتمند در رأس قوه مجریه امکان پذیر است. هانتینگتون پافشاری بر چنین استدلالی را باعث ضعف در رهبری می داند و معتقد است اوضاع اقتصادی را هم وخیم تر خواهد کرد. از این رو پیشنهاد می کند که قدرت سیاسی پیش از آنکه توزیع شود آن هم به شکل دموکراتیزه شده، باید تثبیت و تحکیم شود.

در این میان یکی از محورهای اقتصاد بازار آزاد خصوصی سازی است. سیستمی که نیازمند دستگاه اداری با کفایت و سالمی است. در این حالت اموال و سرمایه‌های دولتی به مالکان خصوصی انتقال می‌یابد، در این‌گونه جابجایی‌ها فرصت‌های مناسبی برای سودجویی‌های کلان نیز فراهم می‌شود به ویژه برای آنانی که به اطلاعات خاصی دستیابی دارند. چنین موضوعی می‌تواند در مقیاسی وسیع موجب غیراخلاقی شدن شهروندان و تخریب مشروعیت حکومت در سرتاسر فرآیند اصلاحات اقتصادی شود، در عین حالی که می‌تواند فاصله طبقاتی و تورم را به جامعه تحمیل نماید. پس از جمله مواردی است که باید با احتیاط و مناسب با وضعیت جامعه صورت گیرد.^(۸)

دسته دیگر در برنامه‌های خود بر تقدم دموکراسی تأکید دارند، این گروه سعی دارند تا مردم را از حقوق خود آگاه سازند و آزادی‌های آنان را گوشزد نمایند. بدین ترتیب مردم مطالبات خود را مطرح می‌کنند. هواداران این نوع برنامه را اکثراً نخبگان سیاسی تشکیل می‌دهند.^(۹)

گروهی نیز بر دموکراسی و اقتصاد به صورت همزمان توجه دارند اما این امکان وجود دارد که برای پیشرفت‌های اقتصادی از ارائه برنامه‌های دموکراتیک‌سازی خود چشم‌پوشی کنند.

از طرفی ارائه برنامه‌ها گاه با تأکید بر دین و ارزشهای دینی همراه است. در چنین شرایطی مردم به جنبه روحانی و مسائل دینی توجه می‌کنند و نامزد انتخابات بیشتر از اصطلاحات و آموزه‌های دینی برای ارائه برنامه‌های خود استفاده می‌کند.

در کنار برنامه‌ها نیز تاثیرگذاری گوینده برای پیشبرد اهداف خود در جامعه مهم خواهد بود. در این مرحله است که نقش افکار عمومی آشکار می‌شود.

بدین ترتیب اندیشه‌های سیاسی برای هدایت مردم به سمت و سوی یک ایدئولوژی و تفکر، زمینه پیدایش افکار جدیدی در میان متفکران، سیاستمداران و رهبران فکری جامعه خواهد شد که تشکیل احزاب، مناظره‌های سیاسی و رسیدن به قدرت از دیگر مشخصه‌های این بحث است.

در چنین شرایطی همراه کردن مردم برای رسیدن به مقاصد سیاسی به ویژه در زمان انتخابات ریاست جمهوری بسیار مهم و در درجه اول امور قرار دارد. اقناع و در عین حال تهییج مردم برای انجام کاری به ویژه در امور سیاسی از جمله وظایف رهبران فکری در هر جامعه‌ای است.

این شرایط در ایران نیز حاکم است. نامزدهای حاضر در مبارزات انتخاباتی برنامه‌هایی جهت اصلاح اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ارائه می‌دهند و سعی در رد سیاست‌های موجود دارند. تقابل اندیشه و دیدگاه‌ها منجر به پدید آمدن تنازع در گفتار آنها شده و از این رو گفتمان مورد نظرشان در برابر گفتمان

حاکم قرار می گیرد. در این تحقیق نیز سعی می شود تنازع درگفتمان نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به تصویر کشیده شود.

وجود تنازع در سخنان نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ موضوعی است که از طریق تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار می گیرد. هر یک از نامزدهای انتخاباتی برنامه هایی را مطرح می کنند که در نظر دارند طی چهارسال برای اداره کشور آن را به اجرا درآورند. مجموعه ای از آن چه که ارائه می شود در قالب گفتمان نامزد پیروز در انتخابات تلقی می گردد و تضادها و تفاوت هایی که در گفتمان هر یک از آنها وجود دارد همان تنازعی است که مورد تحقیق است. این گفتمان پس از پیروزی، گفتمان غالب یا گفتمان رسمی محسوب می شود و پیش از آن گفتمان متنازع است.

به دلیل نظم و آرامشی که پس از پایان جنگ تحمیلی و از پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در کشور پدید آمد، مقطع زمانی مورد بررسی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ انتخاب شد. از آنجا که در یک نظام جمهوری مردم خود تعیین کننده سرنوشت خویش هستند، نخستین تجربه ایرانیان در انتخاب ناکام ماند و اولین رئیس جمهوری ایران پس از مدتی کشور را ترک کرد. انفجار دفتر نخست وزیر که به شهادت رئیس جمهوری و نخست وزیر وقت انجامید بار دیگر در انتخاب مردم خلل وارد کرد. از این رو پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری زمان مناسب تری برای انجام تحقیق بود.

طی این زمان پنج دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده است که سه نفر به ریاست قوه مجریه رسیدند و گفتمان آنها مورد تحلیل قرار می گیرد: اکبر هاشمی رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی و محمود احمدی نژاد.

این سه نامزد انتخاباتی برنامه های خود را به گونه ای طراحی کردند که نسبت به گفتمان رسمی در جامعه متفاوت بود. توجه به توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و ارزش های دینی عمده ترین بخش گفتمان هر یک از نامزدها را به خود اختصاص داده است.

گاه علی رغم پیشرفت های اقتصادی در جامعه، بحران های اقتصادی که کشورها را در خود فرو می برد باعث بروز مشکلاتی می شود که نابرابری ها در صدر آن قرار دارد، به گونه ای که مردم نمی توانند به شکلی مناسب از فواید توسعه اقتصادی موجود بهره مند شوند. این چنین وضعیتی به بیزاری از سیاستمداران می انجامد و منجر به روی کار آمدن و به قدرت رسیدن کسانی می شود که قول ها و وعده هایی را جهت بهبود وضع معاش و زندگی مردم می دهند. اساساً در بحران ها و رکود شدید اقتصادی حمایت از دموکراسی نیز پایین می آید به ویژه که بسیاری حکومت را مسئول و علت پدید آمدن چنین وضعیتی می دانند. مردم در شرایط اقتصادی نامطلوب به سرزنش و ملامت حکومت می پردازند، خواه

دولتی سزاوار سرزنش باشد یا نباشد. عکس این مورد نیز صادق است. در بسیاری از موارد عوامل سیاسی در حمایت از دموکراسی مهم‌تر از عوامل اقتصادی تلقی می‌شود. هنگامی که مردم از شیوه عملکرد دموکراسی رضایت بیشتری داشته باشند به نهادهای سیاسی نیز اعتماد می‌کنند. از این رو جلب افکار عمومی برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی موضوع مهمی است که از طروق سیاسی اعمال می‌شود.

با توجه به آنچه مطرح شد سؤال و مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که آیا میان گفتمان غالب که در متن سخنرانی کاندیدای پیروز هر دوره با توجه به فضای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه ایجاد شده و گفتمان نامزد پیروز در انتخابات با همان شرایط تفاوتی وجود دارد؟

تقدم اصلاحات اقتصادی ارجحیت دارد، تقدم اصلاحات دموکراتیک در رأس برنامه‌ها قرار گیرد، هر دو مورد در کنار هم مورد توجه است و یا به گفتمان دینی پرداخته شود. در ایران مدتی است که اصطلاحاتی چون اسلام سیاسی و یا سیاست اسلامی مطرح شده است. تعبیری که از آن می‌شود در یک توضیح کوتاه، مفهوم اسلام در گفتمان سیاسی یا قرائت سیاسی از اسلام است. برای قرائت سیاسی از اسلام سه گروه وجود دارند که در واقع سه رویکرد محسوب می‌شود. رویکرد تک بُعدی‌نگر، رویکرد تقلیل‌گرایانه یا تحلیلی و رویکرد جامع‌نگر. اسلام سیاسی را مجموعه‌ای از آموزه‌های مسلم دینی می‌دانند که از ذات اسلام تفکیک‌ناپذیر است مانند عدالت طلبی، ظلم ستیزی، فقرستیزی، صلح‌طلبی و مواردی نظیر آن.^(۱۰)

برای شناخت دیدگاه‌ها، شیوه‌های گوناگونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از تحلیل مارکسیستی برای رفتن از روبنا به زیربنا و از تحلیل نشانه‌شناختی برای رفتن از معنی آشکار به سطح کد یا رمز استفاده می‌کنیم، می‌توان از تحلیل گفتمان برای آگاهی از چگونگی پردازش ظاهر آشکار متن‌های از ایدئولوژی اشباع شده، بهره برد، متن‌های سخنرانی نامزد پیروز در انتخابات را رمزپایی کرد و به عمق قدرت در آنچه که شبکه درهم تنیده روابط واژگان است، دست یافت.

حال بسته به موقعیت هر جامعه نحوه بیان تغییر می‌یابد. در جوامعی که دموکراسی و آزادی حاکم است گفتمان دموکراسی، در جوامعی که استبداد حاکم است گفتمان استبدادی و آمرانه و در جوامعی که به گونه‌ای هر دو وضعیت حاکم باشد گفتمان آن به فراخور زمان و گوینده آن متفاوت خواهد بود.

از این رو گفتمان سیاسی حاوی مؤلفه‌هایی است که در پس آن قصد، نیت و دیدگاه گوینده را در برمی‌گیرد. مؤلفه‌ها می‌توانند در قالب سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع نمود پیدا کنند همچون توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و ارزش‌های فرهنگی. حال تمام این شاخص‌ها در برنامه‌هایی که از طرف

نامزدهای انتخاباتی مطرح می‌شود، نهفته است. در طی پنج دوره مورد نظر، عدالت، توزیع عادلانه ثروت، خصوصی‌سازی، رقابت و مانند آن در برنامه‌های اقتصادی قرار داشت که از آن به گفتمان سازندگی یاد می‌شود، از طرف دیگر مشارکت، عدالت اجتماعی، آزادی عقیده و آزادی بیان که در برنامه‌های سیاسی می‌گنجد و می‌توان از آن به عنوان گفتمان توسعه سیاسی یاد کرد و توجه به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، نضج گرفتن ارزش‌های دینی و مذهبی و به نوعی آمریت که در گفتمان ارزشی جای می‌گیرد.

نکته قابل توجه اینکه چه کسی به چه زبانی (قدرت در زبان و قدرت پس زبان) با چه آمریتی و براساس چگونه تفکر و نگرشی سعی در همراه کردن دیگران با خود را دارد. همراه کردن دیگران با خود در گرو همسونگری و یا تغییر نگرش مردم است، از این رو مبانی نظری تحقیق بر پایه نظریه‌های زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی، افتناع و رفتار رای دهی مردم قرار گرفته است. برای تحلیل گفتمان نیز از شیوه مورد نظر فرکلاف استفاده شده و همچنین آراء وان دایک نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در این میان باید به این نکته توجه کرد که گفتمان را دارای سه رکن اصلی می‌دانند؛ زبان، قدرت و ایدئولوژی. درک زبان در قالب دستور زبان امری ساده است اما درک آنچه که در پس جمله‌ها و واژه‌ها نهفته تنها از طریق مؤلفه‌های خاصی امکان‌پذیر است. آنچه که طی سالیان متمادی تحت عنوان هرمنوتیک مطرح بود یعنی بحثی که برخی شروع آن را به سده هفدهم باز می‌گردانند، از منظر ریشه‌شناختی بر گرفته از فعل یونانی Hermeneuin به معنای تفسیر کردن است.

تعریف تسامحی پل ریکور برای سنخ‌شناسی این معرفت مفید خواهد بود به نظر او هرمنوتیک نظریه عمل فهم است در جریان روابطش با تفسیر متون. هر چند در ابتدا روش تفسیر متون مقدس را در بر می‌گرفت.

به هر ترتیب مطالعه زبان، تاریخ طولانی دارد چرا که ماهیت ذهن و تفکر را نشان می‌دهد. آنچه مسلم است موضوع مشترک تمام علوم انسانی متن است، اما علوم انسانی متعدد هستند و نمی‌توان آن‌ها را تنها به یک شکل واحد تقلیل داد.

با توجه به آنچه مطرح شد برای تحلیل گفتمان باید اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر دوره را در نظر گرفت چرا که بافت را نشان می‌دهد، یعنی همان بخشی که زبان، قدرت و هدف در آن شکل می‌گیرد و نقش‌ها و مشارکین را در بردارد. بسته به نظام سیاسی هر کشور ایدئولوژی تغییر می‌کند و ارج نهادن به ارزش‌ها، ایدئولوژی را قوی‌تر و گاه بر کل نظام سیاسی حاکم می‌سازد.

برای آنکه بدانیم در هر دوره گفتمان غالب در متن سخنان کاندیدای پیروز چه بوده است و اینکه ایدئولوژی حاکم بر آن بر چه موضوعاتی تکیه داشته باید به بررسی اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه رجوع کرد تا نظام زبانی شکل‌دهنده آن تفکر را درک نمود.

از طریق ویژگی‌های معانی بیان، واژگان، استعاره، کنایه و ساختار متن خط‌مشی کاندیدای پیروز را می‌توان بدست آورد. همچنین از خلال متن‌ها می‌توان به توصیف «خود» و «دیگران» رسید. اینکه کاندیدای پیروز برای موفقیت خود چگونه از واژه‌ها، تعابیر و اصطلاحات استفاده کرده و توانسته برنده آن دوره از انتخابات گردد را باید از خلال متن بدست آورد.

در نهایت با توجه به گفتمان غالب در متن سخنرانی کاندیدای پیروز هر دوره می‌توان دریافت میان گفتمان رسمی و گفتمان کاندیدای پیروز هر دوره با فضای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه تفاوتی وجود داشته است یا خیر.

از این رو بررسی اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر دوره لازم و ضروری است چه از خلال آن می‌توان به مقاصد، اهداف و حتی پیامدهای برنامه‌های مطرح شده دست یافت.

ضرورت و اهمیت موضوع

واژگان و اصطلاحات بکارگرفته شده توسط نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری نشان از طرز تفکر و دیدگاه‌های آنها دارد. شناخت انسانها و میزان اثرگذاری آنان بر دیگران نیز با درک آرا و افکارشان امکان‌پذیر است. از این رو در زمان انتخابات و رقابت‌های انتخاباتی نامزدها بیشتر نقطه نظرات خود را در معرض افکار عمومی قرار می‌دهند و یا با بیان خواسته‌های مردم سعی در نزدیک شدن به آنها دارند.

بررسی فضای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه به عنوان مجموعه‌ای اثرگذار بر متن‌های سخنرانی نامزد پیروز در انتخابات حائز اهمیت است. پس شناخت بافت درهم تنیده قدرت در روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه ضروری می‌نماید.

از طرفی سیاست خارجی و روابط سیاسی در عرصه بین‌المللی از ویژگی خاصی برخوردار است. موفقیت دولت‌ها در عرصه دیپلماسی بین‌المللی پیشرفت‌هایی را در تمام سطوح به همراه خواهد داشت. برخی از نامزدها به اهمیت این موضوع پی برده‌اند و برنامه‌هایی را در این زمینه مطرح می‌کنند.

توسعه اقتصادی، فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی مفاهیمی است که هر کدام مولفه‌های خود را دارند و تاکید نامزدها در زمان مبارزات انتخاباتی بیشتر بر پایه این اصطلاحات است.

از آنجا که ساختار سیاسی - اجتماعی و فرهنگ سیاسی در ارتباط مستقیم با یکدیگر قرار دارند، مطالعه فرهنگ سیاسی نه تنها از اهمیت تاریخی برخوردار است بلکه ضرورتی است که به یاری آن می‌توان بخش مهم و اساسی میراث فکری و فرهنگی یک ملت را با معیارهای بین‌المللی ارزیابی کرد. شناخت ویژگی‌های روحی، فکری و فرهنگی مردم و رفتارهای ناشی از آن به ویژه در قلمرو سیاست از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که مشخص می‌شود تحت‌تأثیر چه عواملی شکل گرفته.

در این میان تأثیر دین در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را نباید از نظر دور داشت. برخی جامعه‌شناسان دین را منشأ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در طول تاریخ می‌دانند. این امر از آن رو حائز اهمیت است که بعضی نویسندگان در مقام تبیین فرهنگ سیاسی و رفتارهای سیاسی مردم ایران، باورها و نمادهای مذهبی تشیع را عامل محرک فرهنگ سیاسی اقتدارگرا تلقی می‌کنند.

هم‌رأی کردن مردم با حکومت‌ها و سعی در جلب آرای عمومی امری مهم و قابل تأمل است. بسیاری از سیاستمداران با استفاده از نخبگان در جامعه سعی می‌کنند تا بر باورهای ملت تأثیرگذار باشند. هرچند ابلاغ تصمیم‌ها بخشی از یکپارچگی و همراهی را با خود دارد اما اقناع ابزار معتبرتری برای این منظور است.

احزاب و نهادهای مدنی اساساً حول یک اندیشه شکل می‌گیرند و اعضا به عنوان نخبگان سیاسی و اجتماعی در مسائل عمومی به صاحب‌نظر مبدل می‌شوند. در این میان داشتن حق آمریت و جلب از روی رضایت دو مورد جداگانه است، که اولی مختص دولت‌ها و دومی معمولاً به احزاب و نهادها باز می‌گردد. قرار گرفتن در یک مسیر و بودن در یک بستر سیاسی به حامیان یک اندیشه اجازه می‌دهد تا طرفدارانی برای خود بدست آورند و در زمان انتخابات آرای آنان را به سمت خود جلب کنند. حال زبان و بیان مهمترین وسایل اقناع تلقی می‌شوند و کسانی که خود را نامزد احراز سمتی می‌نمایند با استفاده از این ابزارها به جلب آرا می‌پردازند.

هر چه اطلاعات بهتر، کامل‌تر و مناسب‌تر در اختیار رأی دهندگان گذاشته شود، آنها نیز انتخاب اصلی خواهند داشت. ارائه اخبار گروه‌ها و احزاب مختلف از طریق رسانه‌ها موجب افزایش سطح آگاهی و اطلاعات افکار عمومی درباره نامزدهای انتخاباتی می‌شود. از این‌رو، رسانه‌ها نقش مهم و ویژه‌ای را در نفوذ بر افکار عمومی ایفا می‌کنند.

«هر گاه سیاستمداران خلل و انحرافی را در سیاست‌های دولت اعمال نمایند، رسانه‌ها به نفع رأی دهندگان، آنها را آگاه می‌سازند. به عنوان نمونه، یک مرکز تحقیقاتی از رأی‌دهندگان آمریکایی نظرسنجی کرد. در این نظرسنجی مشخص شد که منبع اطلاعاتی آنها در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۹۶،